

”بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ“

فایل نوشتاری دوره آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

”احادیث فراموش شده“ استاد علی تقوی

حدیث بیست و سوم: واجب «بگانی» یا «همیشگی و همه جایی»؟؟؟!

مُحَمَّدٌ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ سِئِلَ عَنِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ أ وَاجِبٌ هُوَ عَلَى الْأُمَّةِ جَمِيعًا فَقَالَ لَا فَقِيلَ لَهُ وَ لِمَ قَالَ إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمَطَاعِ الْعَالِمِ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ لَا عَلَى الضَّعِيفِ الَّذِي لَا يَهْتَدِي سَبِيلًا إِلَى أَيِّ مِنْ أَيِّ يَقُولُ مِنَ الْحَقِّ إِلَى الْبَاطِلِ وَ الدَّلِيلُ عَلَى ذَلِكَ كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَوْلُهُ وَ لَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ (آل عمران ، ۱۰۴)

فَهَذَا خَاصٌّ غَيْرُ عَامٍّ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مِنْ قَوْمٍ مُّوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعدِلُونَ (الأعراف ، ۱۵۹)

وَ لَمْ يَقُلْ عَلَى أُمَّةٍ مُّوسَى وَ لَا عَلَى كُلِّ قَوْمِهِ وَ هُمْ يَوْمِنَا أُمَّةٌ مُّخْتَلَفَةٌ وَ الْأُمَّةُ وَاحِدَةٌ فَصَاعِدًا كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ (النحل ، ۱۲۰)

يَقُولُ مُطِيعًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَيْسَ عَلَى مَنْ يَعْلَمُ ذَلِكَ فِي هَذِهِ الْهُدْنَةِ مِنْ حَرَجٍ إِذَا كَانَ لَا قُوَّةَ لَهُ وَ لَا عُدْرَ وَ لَا طَاعَةَ قَالَ مَسْعَدَةُ وَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ وَ سِئِلَ عَنِ الْحَدِيثِ الَّذِي جَاءَ عَنِ النَّبِيِّ ص إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ كَلِمَةٌ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ مَا مَعْنَاهُ قَالَ هَذَا عَلَى أَنْ يَأْمُرَهُ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ وَ هُوَ مَعَ ذَلِكَ يَقْبَلُ مِنْهُ وَ إِلَّا فَلَا.

*** سند روایت:**

وسائل الشیعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۲۶ - تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)؛ ج ۶؛ ص ۱۷۷ - الکافی (ط) - الإسلامیة)؛ ج ۵؛ ص ۵۹ - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ النص؛ ص ۵۱ - روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)؛ ج ۱۱؛ ص ۴۶ - الوافی؛ ج ۱۵؛ ص ۱۸۱ - مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱۸؛ ص ۴۰۶ - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۹۳ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۸۷

طریق اول: (مسند / اشاره / موثق) علی بن ابراهیم [بن هاشم، امامی ثقة جلیل] عن هارون بن مسلم [بن سعدان، امامی ثقة جلیل و كان له مذهب فی الجبر والتشبيه] عن مسعدة بن صدقة [إشارة] [قيل انه عامی بتری و فيه تامل و هو ثقة علی التحقيق] قال سمعت أبا عبد الله ع يقول

*** شرح و ترجمه حدیث:**

نقل است که از امام صادق ع درباره امر به معروف و نهی از منکر سوال شد، که (یا بن رسول الله!) آیا امر به معروف و نهی از منکر بر همه ی (فرد، فرد) امت واجب است؟

حضرت فرمودند: خیر.

عرضه داشتند:

پس بر چه کسانی واجب است؟

حضرت صادق ع فرمودند:

(این طوری نیست که امر به معروف و نهی از منکر همیشه بر همه واجب باشد، بلکه) بر افراد قوی مورد اطاعت و عالم به (تشخیص) معروف از منکر واجب است.

* نکات:

– امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه «همگانی» هست، اما «همیشه» هم، به «همه» واجب نیست! تشخیص اینکه این وظیفه، چه موقع و بر چه کسی واجب هست یا نیست، منوط به بررسی شرایط ۴گانه وجوب امر به معروف و نهی از منکر در هر موقعیت است.

* پیام ها و رهنمودها:

– حضرت صادق ع در این روایت، دو ویژگی یا شرطِ امر به معروف یا نهی از منکر بودن را بیان می کنند که عبارتند از:

۱. الْقَوِي الْمَطَاعُ؛

۲. الْعَالِمُ بِالْمَعْرُوفِ وَالْمُنْكَرِ.

دو ویژگی فوق، در واقع به دو شرط از «شرایط وجوب» امر به معروف و نهی از منکر اشاره دارد؛ که اساساً مراجع معظم تقلید و مجتهدین، شرایط وجوب امر و نهی و دیگر احکام و اصول عبادی ما را از این دست روایت ها استنباط می کنند. دو شرط مورد اشاره ی این حدیث عبارتند از:

۱. احتمال تأثیر:

بیشتر فقها و مراجع می فرمایند که این «إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِي الْمَطَاعِ»، ظاهراً منظور همان «احتمال تأثیر» است. یعنی حتی احتمال ضعیفی بدهد که به حرفش گوش داده می شود (البته این بحث، در احکام امر به معروف و نهی از منکر نیز گفته شده است که: احتمال تأثیر، تقریباً همه جا قطعی است...).

۲. علم به معروف و منکر:

کسی که می خواهد امر به معروف یا نهی از منکر کند، حتماً باید علم به معروف و منکری که می خواهد نسبت بدان امر یا نهی کند، داشته باشد. مطمئن باشد که این عمل، حرام (یا حلال) است (الْعَالِمُ بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ). لذا اگر خودش معروف و منکر را تشخیص نمی دهد، آنجا نباید امر به معروف و نهی از منکر کند.

– پس انجام امر به معروف یا نهی از منکر به گروه یا گروه های خاصی اختصاص ندارد؛

به همه واجب هست، ولی نه همیشه! و نه همه جا!

هر وقتی که آن شرایط وجوب برقرار باشند – از جمله «علم به معروف و منکر»، «احتمال تأثیر» و

دو شرط دیگر – بر همه واجب است که امر به معروف و نهی از منکرشان را انجام دهند.

حدیث بیست و چهارم: یک رضایت و دو گناه!

قَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع :

الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّخِلِ فِيهِ مَعَهُمْ؛ وَعَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي بَاطِلِ إِثْمَانٍ: إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ

وَإِثْمُ الرِّضَى بِهِ

*** سند روایت:**

نهج البلاغه (للمصباحي صالح)؛ ص ۴۹۹ - عيون الحكم و المواعظ (لليثي)؛ ص ۶۴ - وسائل
الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۴۱ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۹۶

طريق اول: (مرفوع، ضمير و تعليق) محمد بن الحسين الرضى [تعليق] [السيد الرضى، امامي ثقه
جليل] فى نهج البلاغه و قال أمير المؤمنين ع [ضمير]

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند:

کسی که راضی باشد به عمل یک عده ای، مانند این است که با آن ها در آن عمل دخالت داشته
است.

و برای هر کسی که دخلی در باطل یا گناهی دارد (یا داشته است)، دو گناه است:

۱. (یک گناه:) گناه عملی که در آن دخل داشته است (إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ)؛
۲. (و یک گناه هم:) گناه رضایت داشتن به آن گناه (وَإِثْمُ الرِّضَى بِهِ).

* نکات:

– یک وقت هست خود آدم گناهی را انجام می دهد، خوب فاعل و داخلش است، و انجامش داده.

اما یک وقت هست که تو می توانی جلوی آن گناه را بگیری و نمی گیری؛

و با همین جلوگیری نکردن ات، کمکشان کرده ای؛ و لذا شما هم داخل در آن گناه هستی!

و مرتکب دو گناه هم شده ای: هم نهی از منکر نکردن، و هم گناه وقوع آن عمل منکر که تو (با

جلوگیری نکردن و نهی از منکر نکردنت) در انجامش دخیل بوده ای...

– درباره گناه اول که «گناه عملی بوده که فرد، دخیل در آن حساب می شود»،

چند نکته جالب توجه است:

✓ اول: اینکه این فرد، دخل آنچنانی هم در ارتکاب آن کار نداشته، بلکه فقط راضی بوده؛

اما با این حال حضرت می فرمایند که همین رضایت، دخل است! چون: «اگر راضی نیستی،

باید عدم رضایت را ابراز کنی!»

✓ دو: اینکه «عین همان گناه» ای که انجام نداده (ولی به انجامش راضی بوده) را کپی می

کنند و برای این فرد هم می نویسند!

و اگر بخواهیم بگوییم او را شریک گناه دیگران می دانند نیز توصیف دقیقی نیست؛ چون:

«شریک» می شود درصدی از جرم (مثلاً: نصف-نصف یا شصت-چهل و...)

ولی روایت نمی گوید شریک گناه دیگران می شود، بلکه همان گناه را کامل برای این هم می

نویسند! انگار که خودش کاملاً انجامش داده...؛ چرا؟

چون او با سکوتش کمک کرده به انجام آن گناه.

* پیام ها و رهنمودها:

– روایات با مضمون مشابه این حدیث، بسیار زیاد هستند؛ به جهت اینکه یک یقین قوی تری در ذهن هایمان حاصل بشود، به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام (خطبه ۲۰۱ نهج البلاغه):

• أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّمَا يَجْمَعُ النَّاسَ الرِّضَىٰ وَالسُّخْطُ. وَإِنَّمَا عَقَرَ نَاقَةَ ثَمُودَ رَجُلٌ وَاحِدٌ؛ فَعَمَّهُمُ اللَّهُ بِالْعَذَابِ لَمَّا عَمَّوهُ بِالرِّضَىٰ؛ فَقَالَ سُبْحَانَهِ: «فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ»:

▪ ای مردم! همه مردم و همه افراد جامعه در خشنودی و خشم شریک می باشند (یا: رضایت و نارضایتی بر یک عمل، باعث شراکت در پاداش یا عقاب آن عمل می شود)!

چنانکه ناقه ثمود را تنها یک نفر بود که پی کرد و کشت؛

ولی خدا چون همه شان راضی بودند به این کار (تعمیم داشتند در رضایت به این کار)، همگی شان را عذاب کرد (عذاب را به همگی تعمیم داد)؛

و آن وقت خدا در قرآن می فرماید:

«فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ» (اشاره به ضمیر «واو» در «عَقَرُوا» و «أَصْبَحُوا»، که ضمیر جمع است و یعنی: آن شتر را همگی کشتند، و بعد همگی هم پشیمان شدند)؛

[پس، از این ها عبرت بگیرید...]

۲. جواد الأئمه علیه السلام:

• مَنْ شَهِدَ أَمْرًا، فَكَرِهَهُ، كَانَ كَمَنْ غَابَ عَنْهُ؛ وَمَنْ غَابَ عَنْ أَمْرٍ، فَرَضِيَهُ، كَانَ كَمَنْ شَهِدَهُ:

▪ کسی که کاری (عمل منکری) را دید، و نپسندید، و نپسندید، و نپسندید، مانند کسی است که اصلاً آن را ندیده است.

(اما) هر کس کار بدی را ندیده است (یعنی آن عمل منکر پیش رویش ارتکاب نیافته)، ولی راضی به (ارتکاب یافتن) آن باشد، مثل کسی است که آن عمل منکر پیش رویش انجام شده است (یعنی انگار دیده و نهی از منکر نکرده است...!).

۳. روایات کوتاه دیگری از معصومین علیهم السلام؛ مثل:

- الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كِفَاعِلُهُ؛
- الدَّالُّ عَلَى الشَّرِّ كِفَاعِلُهُ؛
- مَنْ رَضَا بِعَمَلِ قَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ؛
- مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا، كَانَ شَرِيكًا فِيهِ :

عمل زشتی را نیکو بشمارد، در آن کار شریک است.

حدیث بیست و پنجم: جنک با خدا...

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقَاسَانِيُّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سُلَيْمَانَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ
فُضَيْلِ بْنِ عِيَّاضٍ؛ (قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع... عَنِ الْوَرَعِ مِنَ النَّاسِ؟)

قَالَ [أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع]:

... إِذَا رَأَى الْمُنْكَرَ فَلَمْ يُنْكِرْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يُعْصِيَ
اللَّهَ فَقَدْ بَارَزَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِالْعِدَاوَةِ...

* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۵؛ ص ۱۰۸ - تفسير القمي؛ ج ۱؛ ص ۲۰۰ - معاني الأخبار؛ النص؛
ص ۲۵۲ - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)؛ ج ۶؛ ص ۴۹۳ - وسائل
الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۲۵۸ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱۹؛ ص ۶۵ - بحار الأنوار
(ط - بيروت)؛ ج ۶۷؛ ص ۳۰۳ - ايمان و كفر (ترجمه كتاب الايمان و الكفر بحار الأنوار ج ۶۴)؛
ج ۲؛ ص ۴۳ (ترجمه عطار دی)

* شرح و ترجمه حدیث:

(از فضیل بن عیاض نقل است که روزی از امام صادق علیه السلام درباره «وَرَع» سوال کرد؟)

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

اگر کسی منکر (گناه) را ببیند، و بتواند آن را انکار کند (جلویش را بگیرد، تذکری بدهد، اقدامی
بکند یا...)، ولی این کار را نکند،

پس (یعنی اینکه:) آن آدم دوست دارد که خدای عز و جل معصیت بشود!

و هر کس دوست داشته باشد که خدا معصیت بشود، چنین کسی خدا را به جنگ و دشمنی و مبارزه طلبیده است (به جنگ با خدا برخاسته است)...

* نکات:

– یک نکته خیلی مهم و ظریف در این روایت وجود دارد، و آن اینکه راوی می گوید:

درباره «ورع» از حضرت صادق ع سوال کردم، که حضرت در بخشی از جواب، این جملات تکان دهنده را درباره لزوم و اهمیت انجام امر به معروف و نهی از منکر بیان فرمودند؛
که این، خود حاکی از ارتباط جدی «امر به معروف و نهی از منکر» با «ورع و تقوا» است.

* پیام ها و رهنمودها:

– اینکه کسی گناهی را می بیند، و در حالی که می تواند یک تغییری در آن بدهد یا اعتراضی نسبت به آن بکند، ولی این کار را نمی کند و از آن خودداری می کند، یک پیام واضح و روشن دارد؛ و آن اینکه: «من مشکلی با انجام این معصیت ندارم!».

حال آنکه، خدا با آن کار مشکل دارد!!

و لذا شاید حتی اگر آن معصیت، معصیت کوچکی باشد و خداوند هم عاملش را بخواهد ببخشد، ولی از «بی تفاوتی» ما و «راضی بودن» مان نسبت به «مورد معصیت واقع شدن خدا»، خشمگین می شود و این را به مثابه خوشحالی ما نسبت به «عصیان الهی» و در مرتبه بالاتر، به منزله «اعلام جنگ و دشمنی» و «اعلام هل من مبارز» در برابر خداوند بر ایمان می نویسد!

حدیث بیست و ششم: «مصلحت عمومی»

قَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع :

فَرَضَ اللَّهُ ... الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ؛ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلْسُّفَهَاءِ

* سند روایت:

نهج البلاغه؛ کلمه قصار ۲۵۲ (ترجمه دشتی) - نزهة الناظر و تنبيه خاطر؛ ص ۴۵ - عیون
الحکم و المواعظ (للیثی)؛ ص ۳۶۱ - غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۴۸۸ - الوافی؛ ج ۵؛
ص ۱۰۶۵

* شرح و ترجمه حدیث:

مولا علی علیه السلام فرمودند:

خداوند «امر به معروف» را واجب کرد (برای چه؟ فلسفه اش چه هست؟)، برای اصلاح عمومی
جامعه (اصلاح توده های ناآگاه، اصلاح همگانی)؛
و «نهی از منکر» را (برای چه واجب کرد؟) برای جلوگیری کردن، بازداشتن و مانع شدن از (کار)
نادان ها و احمق ها (بازداشتن بی خردان از زشتی ها).

* نکات:

– قبلاً از حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها نیز شبیه همین روایت را داشتیم،

که به جای «مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ» فرموده بودند: «مَصْلَحَةً لِلْعَامَّةِ»؛

یعنی: برای «اصلاح همگان»؛ که یادآور و پشتوانه ی راهبرد و شعار مهم «تذکر لسانی، وظیفه همگانی» در اصلاح عمومی جامعه است.

* پیام ها و رهنمودها:

– حضرت می فرمایند خداوند «نهی از منکر» را واجب کرده برای اینکه:

«آن هایی که می فهمند، جلوی آن هایی که نمی فهمند را بگیرند!»

ممکنست کسی نمی داند و دارد (یا می خواهد) یک کار خطایی را انجام بدهد،

و یک کسی هم ممکنست می داند و دارد عمداً و یا از روی نادانی و احمقی، یا لجبازی، یک کاری را می کند؛

در هر دو صورت، وضعیت این است که یک عده می دانند و یک عده نمی دانند که نباید این عمل انجام شود!

«ارشاد»، «تعلیم»، «امر به معروف و نهی از منکر» و... البته با هم تفاوت هایی دارند،

اما: هم «ارشاد جاهل در حکم» واجب است، هم «تذکر به غافل» در موارد بسیاری واجب است و هم «امر به معروف و نهی از منکر» واجب است؛

که هر یک در جای خود مطرح است. ولی روی سخن این حدیث، این است که:

«آن کسی که می داند و منکری را انجام می دهد را باید به او یادآوری کرد و تذکر داد؛

و آن کس هم که نمی داند را نیز باید بالاخره یک نفر به او برای اولین بار یاد بدهد...».

حدیث بیست و هفتم: «بهنما» و «حکا» با هم می سوزند...

قال أمير المؤمنين عليه السلام:

فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقَرْنَ الْمَاضِيَ [الْقُرُونِ الْمَاضِيَةَ] بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لَتَرْكِهِمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَ الْخُلَمَاءَ [الْحُكَمَاءَ] لَتَرْكِ التَّنَاهِي

*** سند روایت:**

نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۲ (ترجمه دشتی) - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۱۴؛ ص ۴۷۴

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند:

خدای سبحان، مردم روزگاران گذشته شما را لعنت نکرد (از رحمت خود دور نساخت)، مگر برای ترک امر به معروف و نهی از منکر.

پس خدا بی خردان را به خاطر نافرمانی و انجام معاصی، و خردمندان را به دلیل ترک بازداشتن دیگران از گناه (ترک امر به معروف و نهی از منکر) لعنت کرد.

*** نکات:**

– عبارت «فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقَرْنَ الْمَاضِيَ...»، در برخی جاها با «یهلک» نیز آمده است؛ یعنی: «خدای متعال گذشتگان شما را هلاک و نابود نکرد، مگر...»

* پیام ها و رهنمودها:

– حضرت می فرماید این سر نوشت گذشتگان و اقوام دوران پیشین، جلوی دست شما هست؛ دارید می خوانید عاقبت قوم نوح (ع) و عاد (ع) و ثمود (ع) و... را؛ خدا اینها را لعنت و هلاک نکرد مگر وقتی دید دیگر هیچ کدام امر به معروف و نهی از منکر نمی کنند.

– تا وقتی که خوب هایی هستند که به بدها تذکر می دهند و امر به معروف را و نمی گذارند و مردم را از منکر باز می دارند، خدا هم «عذاب عمومی» نازل نمی کند؛ و این «سنت» خداست. زمانی عذاب عمومی نازل می شود که خداوند ببیند خوب ها هم در مقابل عمل بد بدها بی تفاوت شده اند و سکوت می کنند!

انگار به انها می گوید: تو دیگر چرا تذکر نمی دهی؟! تو دیگر چرا ساکتی؟! از تو انتظار دارم...!

– خدا گناهکارها (نادان ها و احمق ها) ایشان را به خاطر ارتکاب معاصی لعنت کرد؛

و خوبان و دانایان (یا به قول ما، مومن ها و نماز خوان ها) ایشان را هم لعنت کرد به خاطر ترک نهی از منکر و مخالف نکردن با گناه.

(البته باید توجه داشت که چون از شریعت بنی اسرائیل به بعد، امر به معروف و نهی از منکر واجب بوده است، لذا به این – به ظاهر – خوب ها، «مومن» هم نمی شود گفت!).

– پس خدا دو گروه را لعنت می کند:

۱. «سُفَهَا» (به خاطر: رُكُوبِ الْمَعَاصِي)

۲. و «حُلَمَا» یا «حُكَمَا» (به خاطر: تَرْكِ التَّنَاهِي)

لذا همان قضیه ی «تر و خشک» است که همیشه گفته ایم:

«تر» هم اگر جلوی آن «خشک» را نگیرد، کم کم آن هم، به آتش و حرارت خشک ها، خشک می شود و آماده سوختن می شود؛

و این طوری می شود که تر و خشک با هم خواهند سوخت...

حدیث بیست و ششم: تنظیم «حُب» با «بُغْض» ...

قال رسول الله ص :

هل الدين إلا الحب في الله والبغض في الله؛

* سند روایت:

نهج الفصاحة؛ ص ۵۳۹ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۵؛ ص ۱۲۹ - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۶۵؛ ص ۶۳ - کتاب سلیم بن قیس الهلالی؛ ج ۱؛ ص ۵۲۴

* شرح و ترجمه حدیث:

رسول خدا ص فرمودند:

آیا دین (دین داری)، چیزی غیر از محبت داشتن برای خدا، و بغض و نفرت داشتن برای خدا است (اینکه محبتت برای خدا و ناراحتی ات برای خدا باشد)؟

* نکات:

– این روایت دارای قرابت معنایی و تداعی کننده فراز معروف «سَلِمَ لِمَنْ سَأَلَكُمْ وَ حَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ» از زیارت عاشورا نیز هست.

* پیام ها و رهنمودها:

– حضرت می فرمایند کسی که دوستی و دشمنی اش بر اساس «دین» نباشد، این آدم اصلاً گویی دین حقیقی ندارد!

«ملاک» دوستی و دشمنی مومن، باید حب و بغضِ «الله» باشد.

و کسی که این گونه نیست، در واقع «روش زندگی» اش بر محور «الله» نیست

و در واقع دین ندارد.

– دین، چیزی جز «دوست داشتن» و یا «بد داشتن و نفرت داشتن» نیست؛

اگر یک چیز منفور خدا است، باید منفور تو هم باشد؛ و «ابراز» هم باید کرد این حبّ و بغض را.

آیا «تولی» و «تبری» ما، نباید در پی خودش دو عمل داشته باشد به نام های:

«امر به معروف» و «نهی از منکر»؟!؛

تولی و دوست داشتن یک چیز حتماً باید با ابراز آن همراه باشد؛ لذا باید آن را اظهار هم بکنیم.

و تبری هم همین طور...

– این «حبّ و بغض» که فقط برای داخل و باطن مان نیست؟!؛

انسان باید آن مواردی را که –طبق شرایط امر به معروف و نهی از منکر– می شود و باید، ابراز بکند. حضرت می فرماید کسی که «پیچ دوستی و دشمنی اش» را با حبّ و بغض خدا و با «معروف و منکر خدا» تنظیم نکند، و ابراز و اظهار نکند، این آدم باید در دینداری اش شک کند.

نمی شود بگوییم: ما فلان عمل خوب را دوست داریم، ولی تلاشی برای احیا و اقامه اش نمی کنیم! یا اینکه ما از این عمل بدمان می آید، ولی در برابر انجامش، هیچی نمی گوییم و فقط بدمان می

آید!!

حدیث بیست و نهم: شرط چهارم و خوب (۱)

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ
يَحْيَى الطَّوِيلِ البَصْرِيِّ
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ:

إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَيُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ فَيَتَعَطَّى أَوْ جَاهِلٌ فَيَنْتَعَلِمُ؛ وَأَمَّا صَاحِبُ سَوْطٍ وَ سَيْفٍ، فَلَا

*** سند روایت:**

الخصال؛ ج ۱؛ ص ۳۵ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱۸؛ ص ۴۰۸ - الكافي (ط)
- الإسلامية؛ ج ۵؛ ص ۶۰ - تحف العقول؛ النص؛ ص ۳۵۸ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۷۵؛
ص ۲۴۰ - تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)؛ ج ۶؛ ص ۱۷۷ - عوالي اللئالی العزیزیه فی
الأحاديث الدينية؛ ج ۳؛ ص ۱۹۰ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۸۶

طریق اول: (مسند / اشاره / صحیح) علی بن ابراهیم [بن هاشم، ثقة جلیل] عن أبيه [ابراهيم بن
هاشم القمي، امامی ثقة جلیل علی التحقيق] عن ابن أبي عمير [محمد بن ابی عمیر زیاد، امامی ثقة
جلیل من اصحاب الاجماع لا یروی و لا یرسل الا عن ثقه] عن يحيى الطويل صاحب المنقري [إشارة]
[البصري، امامی ثقة علی التحقيق] قال قال أبو عبد الله ع

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی امر به معروف و نهی از منکر می شود که:

یا مومنی باشد که پند می گیرد (با امر و نهی ما متذکر می شود و به خود می آید)،

و یا فرد ناآگاهی است که یاد می گیرد

(با امر و نهی ما، نسبت به منکر یا معروف بودن عملش آگاه می شود)؛

ولی کسی که با خود شمشیر و شلاق دارد، خیر!

* نکات:

– این روایت نیز از آن دسته روایاتی است که «احکام» امر به معروف و نهی از منکر را از آن استنباط می کنند؛ بحث «شرایط و جوب».

* پیام ها و رهنمودها:

– حضرت در اینجا شرط چهارم یعنی «نداشتن مفسده اهم» یا خطر زیادتر را اشاره می کنند. و می فرمایند: کسی امر به معروف را می پذیرد، کسی امر به معروف می شود، موعظه می شود و حرف گوش می دهد که مومن باشد و موعظه پذیر باشد؛

یا جاهل باشد و نمی دانسته، که تو عالم و آگاهی می کنی تا حالا بداند.

اما آن کسی که می بینی شمشیر در دستش دارد (مثلاً کسی قمه برداشته یا شلاقی دارد و...)، یعنی قدرت و خطر آنچنانی بی دارد که کافی است تو به خاطر یک گناه کوچک تذکری بهش بدهی، تا او به تو آسیب جدی برساند!

و هیچ فایده ای هم ندارد، نباید بهش تذکر بدهی...؛

لذا جایی که منکر و خطا، خطای کوچکی است، ولی ضرر و خطر تذکر دادنش بسیار زیاد است (مفسده اهم دارد)، اینجا مراجع تقلید هم می فرمایند که تذکر نه تنها واجب نیست، بلکه جایز هم نیست؛ «لَا يَجِبُ بَلْ لَا يَجُوزُ»...! نباید و حق نداری تذکر بدهی.

لذا اینجا جایی است که رافع تکلیف است (صَاحِبُ سَوْطٍ وَ سَيْفٍ، فَلَا).

حدیث سی ام: شرط چهارم و وجوب (۲)

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْأَعْمَشِ

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع - فِي حَدِيثِ شَرَائِعِ الدِّينِ - قَالَ:

وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاجِبَانِ عَلَى مَنْ أَمَكْنَهُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَخَفْ عَلَى نَفْسِهِ وَ لَا عَلَى أَصْحَابِهِ

*** سند روایت:**

وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۱۲۵ - الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)؛ ج ۲؛ ص ۲۲۶ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۱۰؛ ص ۲۲۸ - عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآيات و الأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد)؛ ج ۲۰ - قسم ۱. الصادق ع؛ ص ۵۸۵ - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۵۷۲

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امام صادق علیه السلام فرمودند:

امر به معروف و نهی از منکر، دو (عمل) واجب هستند،

بر (هر) کسی که امکان (انجام) اش را دارد؛

و (نیز: از بابت وجود ضرر و خطر در انجام این امر و نهی)

برای خودش و اصحابش نترسد و نگران نباشد.

*** نکات:**

– این حدیث، روایتی است که مجتهدین و مراجع معظم تقلید،
شرط چهارم از ۴ شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر را آن استنباط می کنند؛
یعنی «نداشتن خطر زیاد و مفسده اهم».

*** پیام ها و رهنمودها:**

– در واقع حضرت صادق ع اینجا می فرمایند امر به معروف و نهی از منکر بر کسی واجب می شود
که در اثر این امر و نهی،

بیم آسیب و ضرر جدی برای خود و اصحابش وجود نداشته باشد؛

به عبارتی امر و نهی یی واجب است که برای شخص آمر و خانواده و کسانی «خطر قابل توجهی»
نداشته باشد.

حالا این «قابل توجه» حد و مرزش کجاست؟

قبلاً عرض کرده ایم؛

باید خود شخص اهم و مهم بکند بین «خطر تذکر دادن» و «خطر سکوت کردن»؛

و ببیند: «آن گناه چقدر بزرگ است؟» و «ضرر آن تذکر چه قدر است؟»...

حدیث سی ویکم: خیانت علیه برادران...

حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَثَلِ الدَّقَّاقُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ:

سَمِعْتُ الصَّادِقَ ع يَقُولُ:

مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَهُ

* سند روایت:

روضه الواعظین و بصیره المتعظین (ط - القدیمة) ؛ ج ۲ ؛ ص ۲۹۲ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج ۷۱ ؛ ص ۱۹۰ - الامالی (للصدوق) ؛ النص ؛ ص ۲۶۹

* شرح و ترجمه حدیث:

امام صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که برادر مومنش را در (حال انجام) کار ناپسند و مذمومی ببیند، و او را از آن کار منصرف نکند (باز ندارد، نهی نکند...)، در حالی که می تواند (نهی از منکر کند و او را باز بدارد، ولی باز ندارد)، به آن برادر مومنش خیانت کرده است.

*** پیام ها و رهنمودها:**

– خیانت فقط دزدی مال نیست!

خیانت فقط خیانت در زندگی نیست!

خیانت فقط اینهایی که در این فیلم های عشقی و... نشان می دهند نیست!

فقط کلاهبرداری و نامردی و دزدی نیست...!

همین که شما می بینی یک کسی از رفقاییت، از برادرها یا خواهرهای دینی ات در یک چاهی

افتاده و تو می توانی کمکش کنی و نجاتش دهی، می توانی یک تذکر بهش بدهی؛

اما انجام ندهی، امام صادق علیه السلام می فرماید این کار تو هم خیانت است در حق او...!

خدایا، ما را از خائنین به برادران ایمانی مان قرار مده...

حدیث سی و دوم: حدیث «قطره و دریا»

قال أمير المؤمنين ع :

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي
بَحْرِ لُجِّي

* سند روایت:

نهج البلاغه؛ حکمت ۳۷۴ - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۸۹ - وسائل الشیعه؛ ج ۱۶؛
ص ۱۳۴ - بحار الأنوار (ط - بیروت)؛ ج ۷۴؛ ص ۱۴۷ - تحف العقول؛ النص؛ ص ۴۴

* شرح و ترجمه حدیث:

امام علی علیه السلام فرمودند:

و همه ی کارهای نیک، و (حتی) جهاد در راه خدا، در برابر (در مقایسه با) امر به معروف و نهی از منکر، همچون قطره ای در برابر دریایی موج و پهناور بیش نیست.

* نکات:

– بکارگیری لفظ «نَفْتَهُ» در این روایت، تعبیر خیلی عجیبی است.

«نَفْتَهُ» به معنای «آب دهان، یا بخار دهان، یا نم بازدم دهان» هست؛

که در اینجا دارد مقایسه می شود با یک دریای عمیق...

– «همه اعمال خوب» یعنی چه؟؟

یعنی اعمال خوب گذشتگان و آیندگان!

یعنی مستحبات و واجبات!

یعنی اعمال خوب جنیان و انسیان...

*** پیام ها و رهنمودها:**

– حضرت امیر ع می فرماید همه اعمال خوب را در یک کفه ترازو قرار بده، و حتی جهاد را هم در همین کفه بگذار، و امر به معروف و نهی از منکر را در یک کفه دیگر!

و این، مثل این می ماند که: در آن کفه ای که همه اعمال خوب را گذاشته ای، یک قطره آب دهان گذاشته باشی، و در طرف دیگر (امر به معروف و نهی از منکر) یک دریای عمیق و یک اقیانوس موج گذاشته باشی...

– «ثواب» امر به معروف و نهی از منکر با ثواب هیچ کدام از اعمال دیگر قابل مقایسه نیست؛
«اثرگذاری» امر به معروف و نهی از منکر در اصلاح جامعه با اثرگذاری هیچ کدام دیگر از واجبات در اصلاح جامعه قابل مقایسه نیست...!

لذا، از این ثواب بزرگ غفلت نکنیم؛ از عمل واجبی به این عظمت – خدای نکرده – غفلت نکنیم...! که فردای قیامت شرمنده مولا علی علیه السلام نباشیم.

حدیث سی و سوم: «حسن ظن» و «عیب پوشی»، دو رفرز موفقیت امر به معروف

حدیث ۱:

وَالْجِهَادُ عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالصَّدَقِ فِي الْمَوْاطِنِ وَشَتَانِ
الْفَاسِقِينَ. فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظَهْرَ الْمُؤْمِنِ (ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ)؛ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْفَ
الْمُنَافِقِ (أَنْوَفَ الْمُنَافِقِينَ / الْكَافِرِينَ) وَ أَمِنَ كَيْدَهُ؛ وَ مَنْ صَدَقَ فِي الْمَوْاطِنِ قَضَى الَّذِي عَلَيْهِ؛ وَ مَنْ
شَتَى الْفَاسِقِينَ غَضِبَ لِلَّهِ وَ مَنْ غَضِبَ لِلَّهِ غَضِبَ اللَّهُ لَهُ.
فَذَلِكَ الْإِيمَانُ وَ دَعَائِمُهُ وَ شُعْبَتُهُ.»

* سند روایت ۱:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۵۰ (ترجمه مصطفوی) - الخصال ج ۱ ص ۲۳۲ - الامالی
(للمفيد) النص ص ۲۷۸ - الامالی (للطوسی) النص ص ۳۸ - روضة الواعظین و بصیرة
المتعظین (ط - القديمة)؛ ج ۱؛ ص ۴۳ - الوافی ج ۴ ص ۱۴۰ - وسائل الشیعة ج ۱۵ ص ۱۸۶ -
مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۷؛ ص ۳۱۴ - بحار الانوار (ط - بیروت) ج ۶۵ ص
۴۴۸ - نهج البلاغه (للصبحی صالح) ص ۴۷۳

* شرح و ترجمه حدیث ۱:

امام باقر علیه السلام فرمود: از حضرت علی(ع) درباره ایمان سؤال کردند، فرمود: «خدای عز و جل ایمان را بر چهار پایه قرار داده است: ۱- صبر، ۲- یقین، ۳- عدالت، ۴- جهاد.

... و «جهاد» نیز چهار شعبه یا قسم دارد:

۱- امر به معروف

۲- نهی از منکر

۳- راستگوئی در هر حال

۴- دشمنی با بدکاران؛

پس هر که امر به معروف کند، مؤمن را یاری کرده و پشتش را محکم نموده؛
و هر که نهی از منکر کند، بینی منافق را ب خاک مالیده و از نیرنگش ایمن گشته؛

و هر که همه جا راست گوید، وظیفه‌ای که بر او بوده انجام داده؛
و هر که با بدکاران دشمنی کند برای خدا خشم نموده، و هر که برای خدا خشم نماید، خدا هم به
خاطر او خشم می نماید.

این است ایمان و پایه‌ها و شعبه‌هایش.»

* نکات:

– این روایت و مضامینی شبیه به آن چندین بار در منابع حدیثی ما تکرار شده است.

و در برخی نسخه ها این روایت از قول نبی مکرم اسلام ص نقل شده است.

– حضرت امیر (ع) در این روایت می فرمایند:

ایمان چهار پایه دارد، که یکی اش جهاد است،

و «امر به معروف و نهی از منکر» دو شعبه از «جهاد» است.

و البته اینکه: رابطه امر به معروف و نهی از منکر با جهاد دقیقاً چیست؟

آیا همیشه امر به معروف و نهی از منکر زیرمجموعه جهاد است یا گاهی بالعکس هم هست؟

(افضلُ الجهادِ کَلِمَةُ عدلٍ عندِ إمامٍ جائِرٍ...)

فقها نظرات مختلفی دارند؛

اما این واضح است که به هر حال «امر به معروف و نهی از منکر» با «جهاد» گره خورده است و این دو تفکیک شدنی نیستند.

– اینکه حضرت می فرمایند:

«کسی که امر به معروف می کند دارد پشت مؤمنین را محکم میکند»

(فَمَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ)، یعنی چی؟

یک مثالش این است:

در جامعه ای که همه امر به معروف انجام دهند، همه یک «ترک واجب کننده» را دعوت کنند به انجام یک واجب،

شمایی که آن واجب را انجام می دهی دلگرم می شوی،

روحیه می گیری، احساس انزوا نمی کنی، می بینی که فشار روی شما نیست،

فشار روی کسی است که این واجب را انجام نمی دهد.

لذا احساس می کنی فضای جامعه برای یک فضای امنی است، فضای مهبیایی است؛

وقتی دیگران دارند به آن خطاکار تذکر می دهند، شمای نمازخوان باارزش و بااحترام و

باوجاهت می شوی؛

آن کسی که تارک نماز است تحت فشار تذکرات با روش های مختلف است، که به سمت نماز روی بیاورد.

این می شود: «محکم شدن پشت مؤمنین».

– درباره اینکه حضرت می فرمایند: «کسی که نهی از منکر می کند دارد جلوی منافق را می

گیرد، دارد بینی منافق را به خاک می مالد»

(وَمَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْوفَ الْمُنَافِقِينَ)،

در آیات قرآن نیز داریم: «وَالْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ...» (توبه/۶۷)؛

منافقین کارشان این است، حداقل یکی از کارهای مهم شان طبق آیات قرآن این است که «امر به منکر» کنند، منکر را رواج دهند («يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ»، نور/۱۹)،

و امثال اینها؛

و «نهی از معروف» کنند!

اینجا امیرالمومنین (ع) می فرمایند کسی که نهی از منکر می کند دارد منافقین را ضایع می کند، دارد کار آنها را خراب می کند، دارد زحمت های نابودگرانه ی منافقین را خنثی می کند؛ و نصرت خدا هم پشت او خواهد بود.

پس کسی که نهی از منکر می کند دماغ منافق را می سوزاند!

جگر منافق را می سوزاند، که ما این همه زحمت کشیدیم منکر را در جامعه رایج کردیم، اما اینها دارند جلوی منکر را می گیرند!

ما این همه زحمت کشیدیم این دو جوان را گمراه کردیم و به منکر کشانیدیم، اینها دارند تذکر بهشان می دهند، باهاشان صحبت می کنند و به راه راست هدایت شان می کنند.

* پیام ها و رهنمودها:

طبق این روایت، «امر به معروف و نهی از منکر» دو شعبه از «جهاد» است،

و جهاد نیز یک پایه از چهار پایه ی ایمان (یک چهارم ایمان)؛

لذا کسی که امر به معروف و نهی از منکر نمی کند نمی تواند ادعا کند من مؤمنم،

یا ایمانم کامل است!

زیرا این ایمان – وقتی پایه هایش سست باشد – به تدریج سست می شود، و از بین می رود.

– نکته‌ی قابل توجه دیگر در این روایت، این است که حضرت علاوه بر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را «دو شعبه از چهار شعبه‌ی جهاد»،

«یاری کننده‌ی مومنین»

و «خار کننده‌ی منافقین» می دانند،

آن را برای کسی که انجامش می دهد، «مایه‌ی ایمنی از کید و نیرنگ منافقین» نیز بر می شمارند.

یعنی انجام امر به معروف و نهی از منکر باعث می شود که فرد از کید آن منافقی که برای اثرگذاری روی این آدم یا جامعه آمده بوده،

در امان قرار گیرد (وَأَمِنْ كَيْدِهِ).

خدایا به ما توفیق بده از «جهاد» بی بهره نباشیم،

«روحیه جهادی» را در خودمان حفظ کنیم؛

که ایمان مان کامل شود.

خصوصاً این دو شعبه‌ی جهاد که امر به معروف و نهی از منکر است.

حدیث ۲:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضِيلِ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:

يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ سَبْعِينَ كَبِيرَةً.

* سند روایت ۲:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ص ۲۰۷ - وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۳۷۹ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۹؛ ص ۱۴۰ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۷۱؛ ص ۳۰۱ - سفينة البحار؛ ج ۴؛ ص ۶۵ - مجموعة ورام؛ ج ۲؛ ص ۲۰۲ - الوافي؛ ج ۵؛ ص ۵۶۵

* شرح و ترجمه حدیث ۲:

امام باقر علیه السلام می فرمایند:

بر هر مؤمنی واجب است که از هر مؤمن دیگر، هفتاد گناه کبیره اش را بپوشاند.
(گناه های صغیره که هیچ! اگر هفتاد گناه کبیره هم تازه اگر یقین دارید! - از کسی سراغ دارید، حق ندارید آن را جار بزنید...)

حدیث ۳:

قال أمير المؤمنين ع :

لَا تَنْظُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَحِيكَ سُوءًا وَ أَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مُحْتَمَلًا.

* سند روایت ۳:

وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛ ص ۳۸۰ - هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام؛ ج ۵؛ ص ۶۰۷

* شرح و ترجمه حدیث ۳:

امیر المؤمنین ع می فرمایند:

مبادا گمان بد ببری به کلمه‌ای که از دهان برادر دینی‌ات خارج شده، در حالی که می‌توانی بگردی و برایش احتمال به خیری (بهانه و احتمال صحتی) پیدا کنی.

*** نکات (مربوط به هر سه روایت):**

– اینکه امام باقر ع می‌فرمایند: «واجب است بر هر مؤمنی که از هر مؤمن دیگر هفتاد گناه کبیره‌اش را بپوشاند»،

منظور این نیست که بروید تحقیق و تجسس کنید و هفتاد گناه پیدا کنید، و بعد بپوشانیدش!! بلکه یعنی: حق من نوعی به عنوان برادر دینی‌ات است (و بر شما واجب است) که اگر هفتاد کبیره هم از من سراغ داری، آنها را بپوشانی و به کسی نگویی. و البته آن جایی که لازم است، به صورت پنهانی به خودم تذکر بدهی.

– خداوند چون خودش ستار العیوب است،

تا این حد می‌خواهد که آبروی مؤمنین نرود و گناه‌ها مخفی و پوشانده بمانند؛ و لذا می‌فرماید شما هم – حتی وقتی که امر به معروف یا نهی از منکر می‌کنید – همین کار را بکنید. یعنی تا می‌شود باید آنچه را از افراد می‌بینیم و گمان به گناه می‌رود را توجیه کنیم؛ مثلاً فکر کنیم که این شاءالله که من حواسم نبوده، یا این شاءالله منظوری نداشته و...؛

البته گفتیم که زیادی هم نباید حسن ظن داشت،

که: گناه علنی را می‌بینی و بگویی ان شاءالله که این گناه علنی نیست!!

*** پیام‌ها و رهنمودها (مربوط به هر سه روایت):**

– ما در انجام یا امر دیگران به «امر به معروف و نهی از منکر»،

باید تا می‌توانیم «حسن ظن» داشته باشیم.

همان طور که شرط اول از شرایط امر به معروف و نهی از منکر این بود که: «یقین داشته باشیم که گناهکار گناه کرده است» (علم به معروف و منکر)؛

مثلاً نگوئیم که فلانی دیر آمد حتماً رفته بوده فلان گناه را بکند!

نخیر،

«حسن ظن به مؤمن»؛

و حتی «عیب پوشی مؤمن» باید داشته باشیم.

البته حسن ظن زیادی و نابجا هم خوب نیست؛

به یک شخصی گفتیم چرا به فلانی که جلوی نامحرمان روسری اش افتاده بود، یک جمله با زبان خوش تذکر ندادی؟؟

گفت: نه پسر! ان شاءالله کلاه گلیس بود که بر سرش گذاشته بوده...!!!

حسن ظن زیادی و دروغ و دغل هم نباید داشت؛

خدا را نیچانیم! خدا را نمی شود پیچاند!

ولی «حسن ظن متعارف» داشته باشیم.

تا می شود باید پرهیز از سوءظن و فکر بد داشت؛

حتی در مقام امر به معروف و ناهی از منکر.

بنابراین ما باید این دو نکته را همیشه در نظر داشته باشیم:

✓ از طرفی تا جایی که می شود «حسن ظن» و عینک خوش بینی داشته باشیم، و به مردم

برچسب نزنیم که تو بدی!

(بلکه با این نگاه نهی از منکر کنیم که: انگار حواست نبوده و این طور پیش آمده، حالا رعایت

کن...)

✓ از طرفی هم «ستر عیب» داشته باشیم؛

گناه را جار نزنیم!

البته اگر گناه علنی باشد و چاره‌ای نداشته باشیم،

«تذکر علنی» طبق فرموده مراجع معظم تقلید اشکال ندارد و می‌شود در جمع هم تذکر داد،

ولی بهتر این است که معمولاً تا می‌شود در خفا تذکر بدهیم؛

معمولاً تأثیرش هم این طوری بهتر است.

پس «حسن ظن» و «ستر عیب» دو رمز موفقیت در انجام امر به معروف و نهی از منکر هستند که

همه مومنان و آمران به معروف و ناهیان از منکر باید مد نظر داشته باشند.

خداوند به همه ما توفیق رعایت این دو اصل موفقیت آور را بدهد، ان شاء الله.

حدیث سی و چهارم: مضاعف کننده‌ی اجر و ثواب؛

قال أمير المؤمنين عليه السلام:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَقْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ، لَكِنْ يُضَاعِفَانِ
الثَّوَابَ وَيُعْظِمَانِ الْأَجْرَ، وَأَفْضَلُ مِنْهُمَا كَلِمَةٌ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ

* سند روایت:

غرر الحکم و درر الکلم؛ ص ۲۴۴ – عیون الحکم و المواعظ (للیثی)؛ ص ۱۵۴

* شرح و ترجمه حدیث:

مولا علی علیه السلام فرمودند:

امر به معروف و نهی از منکر،

(نه تنها) اجل کسی را نزدیک نمی کند و روزی کسی را کم و ناقص نمی کند (نمی بُرد)،

بلکه ثواب و اجر و مزد را بیشتر و بزرگ تر می کند.
و بالاتر از این دو (امر به معروف و نهی از منکر های معمول)،
این است که انسان حرف حقی را جلوی یک حاکم ظالم (یا سلطان جائر و مسئول خطاکار) بزند.

*** پیام ها و رهنمودها:**

– امیر المومنین سلام الله علیه می فرمایند: کسی از انجام امر به معروف و نهی از منکر نترسد!
من علی (ع) قول می دهم و تضمین می کنم که نه رزق و روزیتان کم می شود با امر به معروف و
نهی از منکر،

نه اجلتان نزدیک می شود و مرگتان زودتر می رسد؛

نه تنها چنین خبرهایی نیست،

بلکه من علی (ع) قول می دهم که این دو واجب اجر و ثواب تان را هم بیشتر می کند.

– امیر المومنین علیه السلام «کَلِمَةُ عَدْلِ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ»

(که در برخی منابع «عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ» نیز آمده)

را جزو بالاترین امر به معروف ها و نهی از منکرها می دانند؛

اینکه انسان حرف حقی را جلوی یک مسئول خطاکار بزند،

جلوی او بایستد و در واقع مطالبه ی حق بکند و او را از خشم خدا بترساند...

حدیث سی و پنجم: نہ «عمری» راکم می کند و نہ «رزقی» را!

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ فِي تَفْسِيرِهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ،

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع :

أَيُّهَا النَّاسُ مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يَقْرَبَا أَجْلاً وَ
لَمْ يَبَاعِدَا رِزْقاً

*** سند روایت:**

وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۵ - بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۹۷، ص ۷۳ - تفسیر القمی، ج ۲،
ص ۳۶ - البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۶۳۸

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

ای مردم!

امر به معروف و نهی از منکر انجام بدهید؛

(و بدانید و آگاه باشید؛ و خیالتان راحت باشد که:)

امر به معروف و نهی از منکر مرگ کسی را نزدیک نمی کند،
و رزق کسی را هم دور (کم و ناقص) نمی کند (نکرده و نخواهد کرد).

حدیث سی و ششم: رفتن خیر و برکت

رَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى ص أَنَّهُ قَالَ:

لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى؛ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ، نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ

* سند روایت:

تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)، ج ٦، ص ١٨١ - وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٢٣ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ١٢، ص ١٨١ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٩٧، ص ٩٤ - مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢٦ - ملاذ الأخيار في فهم تهذيب الأخبار، ج ٩، ص ٤٨٠ - عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، ج ٣، ص ١٨٨ - مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، النص، ص ٥١ - المقنعة، ص ٨٠٨

طريق اول: (مرفوع، عادى) محمد بن الحسن الطوسى [محمد بن الحسن بن على الطوسى، امامى

ثقه جليل] قال روى عن النبى ص أنه قال

* شرح و ترجمه حدیث:

پیامبر اسلام ص فرمودند:

تا زمانی که مردم امر به معروف می کنند، نهی از منکر می کنند،

و به یکدیگر در کارهای خوب (بر) و تقوا کمک می کنند،

در خیر و سعادت و خوشی خواهند بود («خیر» از آنها زائل نخواهد شد).

اما هنگامی که چنین نکنند (یعنی دست از امر به معروف و نهی از منکر و تعاون بر برّ و تقوا

بردارند و این سلوک را رها کنند)،

برکات از آنان گرفته می شود و بعضی شان بر بعضی دیگر مسلط می شوند (منظور «تسلط اشرار»

است، که در روایات دیگر نیز اشاره شده)،

و هیچ ناصر و یآوری برایشان - نه در زمین و نه در آسمان - نخواهد بود.

* نکات:

- در برخی نُسخ حدیثی، به جای کلمه «ناس»، «امّتی» آمده است. - وجود کلمه «البرکات» (با

الف و لام) در عبارت «نُزِعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ»، یعنی: «همه ی برکت ها از آنها دور خواهد شد»؛

برکت در مال، در وقت، کسب و معاش، نسل و اولاد، دنیا و آخرت و...

* پیام ها و رهنمودها:

- گاهی که می بینیم ثروت هست ولی برکت نیست!

(خلاف برخی موارد که ثروت نیست ولی برکت هست...)

یکی از علت هایش می تواند این باشد که وقتی امر به معروف و نهی از منکر نکنی، برکت از مال و

حیات می رود؛ و این قانون دنیاست!

پس اگر امر به معروف نکنیم،

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ...» نکنیم تا «يَنْصُرْكُمْ» محقق شود (اگر خداوند ما را نصرت و یاری نکند)، برکت

ها از زندگی ها می رود.

و آن وقت دیگر هیچ کس در زمین و آسمان نمی تواند یاری مان کند، و نمی کند!!

حدیث سی و هفتم: «سری» یا «علنی»؟! مسئله این است...

ابن الولید عن محمد بن أبي القاسم عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة،

عن جعفر بن محمد ع، عن أبيه ع قال:

قال رسول الله ص:

إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تُضِرْ إِلَّا عَامِلَهَا وَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ أَلَمَهُ أَلَمَهُ الْعَامَّةِ

* سند روایت:

بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۹۷ ص ۷۸ - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، النص، ص ۲۶۱ -
وسائل الشيعة، ج ۱۶، ص ۱۳۶ - قرب الإسناد (ط - الحديث)، النص، ص ۵۵

* شرح و ترجمه حدیث:

حضرت صادق ع از پدرشان امام محمد باقر ع نقل می کنند:

حضرت رسول ص فرمودند:

معصیت، هنگامی که بنده آن را در خفا انجام دهد، به جز به انجام دهنده و عاملش به کسی ضرری
نمی رساند. اما هنگامی که بنده ای آن را علنی انجام دهد، و کسی هم بر او تغییر نکند (خرده
نگیرد، مانع کارش نشود، گناه او را تغییر ندهد)، به عموم مردم ضرر و آسیب می رساند.

* پیام ها و رهنمودها:

– تفاوت گناه سرّی و علنی، مثل این است که بیماری یی، واگیر دار و مسری نباشد؛ یا باشد و به جامعه سرایت بکند!

چون اگر بنده ای گناهی را در خفا و سرّی انجام بدهد، ضرر این خطا و معصیت فقط به خود او اصابت می کند و پای خودش نوشته می شود، و اگر اثر وضعی هم داشته باشد، برای خودش است؛ اما در صورت ارتکاب علنی و آشکارای گناه، اثراتش متفاوت است...

لذا اسلام با امر به معروف و نهی از منکر قصدش این است که حداقل جلوی اشاعه ی گناه و عادی و علنی شدن گناه را بگیرد.

حديث سى و شتم: علت هلاکت اقوام پيشين

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ، عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ، عَنْ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ عَقِيلٍ، عَنْ حَسَنِ، قَالَ:

خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ - فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ - وَقَالَ:

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّهُ إِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ حَيْثُ مَا عَمِلُوا مِنَ الْمَعَاصِي، وَ لَمْ يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ ذَلِكَ، وَإِنَّهُمْ لَمَّا تَمَادَوْا فِي الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ ذَلِكَ، نَزَلَتْ بِهِمُ الْعُقُوبَاتُ؛ فَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ، وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ وَ اعْلَمُوا أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يُقْرَبَا أَجَلًا، وَ لَمْ يَقْطَعَا رِزْقًا...

* سند روایت:

كافي (ط - دار الحديث)، ج ٩ ص ٤٨٦ - الوافي، ج ١٥، ص ١٧٢ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ١٨، ص ٤٠١ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ١٢، ص ١٨٤ - بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ٩٧، ص ٧٣ - البرهان، ج ٣، ص ٦٣٨ - وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ١٢٠

طريق اول: (مسند / عادى) عدة من أصحابنا عن سهل بن زياد [الآدمى، امامى مختلف فيه والتحقق انه ثقة] عن عبد الرحمن بن أبي نجران [امامى ثقة جليل] عن عاصم بن حميد [الحناط، امامى ثقة جليل] عن أبي حمزة [ثابت بن دينار، ابى حمزه الثمالى] عن يحيى بن عقيل [الخزاعى] عن حسن [حبشى بن جناده السلولى] قال خطب أمير المؤمنين ع... و قال

* شرح و ترجمه حديث:

امیرالمومنین علی علیه السلام - در میان خطبه ای، و بعد از حمد و ثنای الهی - فرمودند:

کسانی که قبل از شما بودند، بدین دلیل هلاک شدند که:

پاره ای (و یکسری) از گناهان را انجام می دادند،

و ربانیون و احبار (یعنی علمای یهود و مسیحیت) نیز آنها را از آن نهی نمی کردند

(مثلاً از: کلام گناه آلود یا خوراک حرام و...)

و آنها همچنان به معاصی ادامه می دادند

(و روز به روز گناهان بیشتری انجام می دادند...)

و باز ربانیون و احبار، آنها را نهی شان نمی کردند،

(تا آنجا که «نَزَلَتْ بِهِمُ الْعُقُوبَاتُ»:) پس عذاب بر آن ها نازل شد (گرفتار عقوبت های الهی شدند)؛

پس شما (اینک عبرت بگیرید و) امر به معروف و نهی از منکر کنید!

و بدانید که امر به معروف و نهی از منکر،

نه آجلی را نزدیک می کند (عمر کسی را کم می کند)،

و نه رزق و روزی کسی را قطع (یا کم و ناقص) می کند...

* نکات:

- در کتاب شریف وسائل الشیعه، ۱۰ صفحه بعد از روایت حاضر (یعنی: جلد ۱۶، ص ۱۳۰)، و

همچنین در: تحف العقول (النص؛ ص ۲۳۷)، الوافی (ج ۱۵، ص ۱۷۷)، تفسیر الصافی (ج ۲،

ص ۴۹) و الحیاء (ج ۲، ص ۴۷۸ - ترجمه احمد آرام) علت این وضعیت

- که «چرا در قوم های پیشین، ربانیون و احبار یا علمایشان، گناهکاران را نهی از معاصی نمی

کردند؟» -

در روایت دیگری به نقل از وجود مبارک امام حسین علیه السلام توضیح داده شده است:

«اعْتَبِرُوا أَيُّهَا النَّاسُ بِمَا وَعَظَ اللَّهُ بِهِ أَوْلِيَاءَهُ مِنْ سُوءِ نَنَائِهِ عَلَى الْأَخْبَارِ إِذْ يَقُولُ: «لَوْ لَا يَنْهَاهُمْ
الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ اللَّائِمُ» (مائده/۶۳)،

وَقَالَ: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ... (إِلَى قَوْلِهِ: لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ»
(مائده/۷۸ و ۷۹).

وَإِنَّمَا عَابَ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَرَوْنَ مِنَ الظُّلْمَةِ الَّذِينَ بَيْنَ أَظْهُرِهِمُ الْمُنْكَرَ وَالْفَسَادَ
فَلَا يَنْهَوْنَهُمْ عَنْ ذَلِكَ رَغْبَةً فِيمَا كَانُوا يَنَالُونَ مِنْهُمْ وَرَهْبَةً مِمَّا يَحْذَرُونَ وَاللَّهُ يَقُولُ: «فَلَا
تَخْشَوُا النَّاسَ وَاحْشَوْنِ» (مائده/۴۴):

«ای مردم! از پندی که خداوند، به اولیای خود – درباره ی توصیف بدی که از علمای یهود
داشته – داده است، عبرت بگیرید!

در آنجا که (در قرآن کریم) فرموده است: «چرا ربانیون و اخبار (عالمان دینی)
مردمانشان را از گفتار گناه آمیز باز نمی داشتند...؟!» (مائده/۶۳)؛

(نیز) آنجا که فرموده است: «کسانی از بنی اسرائیل که کفر ورزیدند، گرفتار لعنت
شدند... [تا آنجا که آیه می فرماید: آنان بد اعمالی انجام می دادند]» (مائده/۷۸ و ۷۹).
و خداوند بر آنها (عالمان یهود و...)، از آن جهت عیب گرفت که ایشان از ستمکارانی که
در میانشان بودند کارهای زشت و مایه تباهی (منکر و فساد) را می دیدند، ولی آنان را از
آن کارها باز نمی داشتند!

و این، به سبب:

(۱) چشم داشت و رغبت به آنچه از گناهکاران به ایشان می رسید،

(۲) و ترسی که از آنان (و قدرت شان) داشتند،

بود؛ با اینکه خدا می گوید: «از مردمان بیم نداشته باشید، (بلکه) از من بترسید!»
(مائده/۴۴)».

– نکته مهم دیگر درباره این حدیث، این که:

منظور از «علماء» در این روایت، الزاماً و صرفاً علمای اعلاى دین نیست!

بلکه کسانی که می دانند این قضیه و این عمل، گناه و حرام است.

* پیام ها و رهنمودها:

– بعضی مضامین و پیام های این حدیث (و روایت تکمیلی ذکر شده در بخش نکات)،

را در احادیث مشابه خوانده بودیم، غیر از بخشی که می فرماید:

علت هلاکت و نابودی بنی اسرائیل یا بسیاری از امت ها و مورد لعن و عذاب خدا واقع شدن شان،
این بوده که

«علماء و آگاهان این قوم ها»

هم نسبت به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی می کردند!

و علت این کوتاهی آنان نیز (با کمال تعجب و تأسف!)،

این بوده که: گویا آنان نیز سهم و حظّ و رغبت و طمعی در معاصی و گناهان اهل گناه داشته اند!
یا به نوعی کارشان گیر آنان یا دستشان زیر منگنه ی آنها بوده... (رَغْبَةً فِيمَا كَانُوا يَنَالُونَ مِنْهُمْ)؛

و از طرفی هم، از آنان می ترسیدند... (و رَهْبَةً مِمَّا يَخْذَرُونَ).

در حالی که خداوند سزاوارتر بود که از او بترسند یا طمع خیر از او داشته باشند!!

حديث سى ونهم: «عذاب الخيار» به خاطر «سازش با شرار»!

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ بَشْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَصْمَةَ
قَاضِي مَرُو عَنْ جَابِرٍ،

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى سَعِيدِ النَّبِيِّ: أَنِّي مُعَذِّبٌ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ؛ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَ
سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ. فَقَالَ [سَعِيدٌ ع]: يَا رَبَّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالُ الْأَخْيَارِ؟ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
إِلَيْهِ: دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَلَمْ يَغْضَبُوا لِعِصْيِي

* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٥؛ ص ٥٥؛ الوافي، ج ١٥، ص ١٦٩ - تفسير كنز الدقائق و بحر
الغرائب، ج ٣، ص ١٩ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج ١٨، ص ٤٠٠ - تهذيب الأحكام
(تحقيق خراسان)، ج ٦، ص ١٨٠ - مجموعة ورام، ج ٢، ص ١٢٥ - عوالي اللئالي العزيزية في
الأحاديث الدينية، ج ٣، ص ١٨٨ - عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، ج ٣، ص ١٨٨

طريق اول: (مرسل، عادى) محمد بن يعقوب عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد عن
بعض أصحابنا عن بشر بن عبد الله عن أبي عصمة قاضي مرو عن جابر عن أبي جعفر ع في حديث

قال

طريق دوم: (مرسل، تذييل) رواه الشيخ بإسناده عن أحمد بن أبي عبد الله [مثله] عن بعض أصحابنا
عن بشر بن عبد الله عن أبي عصمة قاضي مرو عن جابر عن أبي جعفر ع في حديث قال

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

خدای عزّ و جلّ به جناب شعیب نبی وحی فرمود: من صد هزار نفر از قوم تو را (بزودی) عذاب

خواهم کرد: چهل هزار نفر از اشرارشان، و شصت هزار نفر از خوبان شان!

پس حضرت شعیب ع به خداوند عرضه داشت: پروردگارا! این ها (این چهل هزار نفر)، گناهکار

هستند (و مستحق عذاب)؛

اما خوبان (آن شصت هزار نفر مومن قوم) گناهشان چیست؟!

(آنها چه کار کرده اند؟ آنها را چرا می خواهی عذاب کنی...؟!)

خداوند بر او وحی فرمود: (به خاطر اینکه: این شصت هزار نفر به ظاهر غیر گناهکار، با اهل

معصیت سازش می کردند و به خاطر خشم من خشمگین نمی شدند.

*** پیام ها و رهنمودها:**

– گلایه ی خداوند از خوبان قوم شعیب ع

(که همین، گناه بزرگ شان محسوب می شده و آنان را مستحق عذاب می ساخته)

این بوده که: «می دیدند گناه و معصیت من خدا دارد انجام می شود و از دست شان عصبانی می شوم و با کارهایشان خشم مرا بر می انگیزانند، ولی آنان خشمی نمی گرفتند و با اهل معصیت و گناه هایشان سازش می کردند؛ و دریغ از یک امر به معروف و نهی از منکر...!!»

انشاءالله که ما مثل قوم شعیب ع نشویم.

و در امتحانات سربلند باشیم و مایه افتخار پیامبران باشیم...

حدیث چہلم: کمترین مرحلہ سی ایمان

وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ؛ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ؛ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ؛... [و] ذَلِكَ أَوْعَفُ
الْإِيمَانِ.

* سند روایت:

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۹۲ - نهج الفصاحة؛ ص ۷۶۸ - عوالی اللالی
العزیزیه فی الأحادیث الدینیة؛ ج ۱؛ ص ۴۳۱

* شرح و ترجمہ حدیث:

رسول خدا ص فرمودند:

هر کس از شما منگری را دید، پس بر اوست که با دستش جلوی آن منکر را بگیرد

(یعنی متصل به عمل (ید) شود و آن منکر را از بین ببرد)؛

اگر نمی تواند (زورش نمی رسد، قدرت و تمکنش را ندارد)،

پس با زبانش مانع منکر شود (اقلا به یک تذکر لسانی بسنده کند)؛

و اگر باز زبانی هم نمی تواند امر به معروف و نهی از منکر کند

(به دلایل خوف و خطر و امثالهم)،

لااقل در رفتارش ناراحتی قلبی اش را ابراز کند،

که این (ابراز قلبی و رفتاری)، پایین ترین مرحله ایمان است

(حداقل ایمان همین است که حتی اگر هیچ استطاعتی بر امر و نهی «عملی» و «زبانی» نداشتید،

بطور «رفتاری» با انجام منکر مخالفت کنید، که: «ذلک أضعف الإیمان»).

* نکات:

— در بحث «قلبی» که در روایت اشاره شده،

ما دو نکته یا تعریف داریم که ممکنست مدنظر باشد:

✓ یک «مرحله ی قلبی» داریم که همان مرحله رفتاری و مرحله اول امر به معروف و نهی از منکر است.

و معنی اش این است که: «ناراحتی قلبی ات را در رفتار ابراز کنی».

✓ و اما یک «قلبی» دیگر هم داریم که صرف «تنفر از گناه» را می گویند.

که البته این تنفر در قلب، پایین ترین مرحله ایمان است.

در اینجا احتمالا منظور نظر حضرت، می تواند همین تنفر از گناه (تعریف دوم) نیز باشد،

که می فرماید: «و ذلک أضعف الإیمان»؛

یعنی کمترین حد ایمان این است که انسان لااقل نسبت به گناه منجر بشود،
از دیدن گناه ناراحت بشود،
وقتی اطلاعی از گناهی پیدا می کند دردش بیاید. این می شود «اضعف الایمان».

*** پیام ها و رهنمودها:**

– «حب معروف» واجب است

و «بغض به منکر» نیز واجب (تنفر از گناه)؛

ولی این دو،

واجبی غیر از امر به معروف و نهی از منکر هستند.

اینکه ما تنفر از گناه داریم به معنای این نیست که امر به معروف و نهی از منکر هم داریم انجام می دهیم.

«تنفر از گناه» یک چیز است،

و «ابراز این ناراحتی و تنفر از گناه»،

تازه می شود اولین مرحله ی امر به معروف و نهی از منکر!

انشاءالله خداوند توفیق انجام امر به معروف و نهی از منکر را به همه ما بدهد

و کمک کند که درد و غصه ای که نسبت به گناهان داریم،

برایمان عادی نشود و بدان بی تفاوت نشویم.

حدیث چهل و یکم: توبین به «کلمه توحید»!

قال رَسُولُ اللَّهِ ص :

لا تَزَالُ «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ» تَنْفَعُ مَنْ قَالَهَا وَ تَرُدُّ عَنْهُمْ الْعَذَابَ وَ النِّقْمَةَ، مَا لَمْ يَسْتَخْفُوا بِحَقِّهَا؛

قالوا: يا رَسُولَ اللَّهِ! و ما الاستِخفافُ بِحَقِّهَا؟

قال: يَظْهَرُ الْعَمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ، فلا يُنكَرُ و لا يُعَيَّرُ.

* سند روایت:

الترغيب و الترهيب؛ ج ۳؛ ص ۲۳۱

* شرح و ترجمه حدیث:

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل است که ایشان فرمودند:

کلمه «لا إِلَهَ إِلاَّ اللَّهُ»،

پیوسته برای گویندگانش سودمند است،

و عذاب و خشم و نقت الهی را از آنها دور می سازد؛

مادامی که (به شرط این که):

«حق آن را سبک نشمارند!»

گفتند: ای پیامبر خدا! سبک شمردن حق آن، به چیست؟
حضرت فرمود: «(به این که) عمل به معاصی خدا آشکار شود،
ولی کسی اعتراض نکند و درصدد تغییرش بر نیاید.»

* نکات:

– درباره بزرگی و اهمیت «کلمه توحید»،

و مفهوم و مضمون «لا اله الا الله»،

آیات و روایات سنگینی وجود دارد؛

از جمله: «کلمة الله هي الغلياء»،

یا روایت معروف به «سلسله الذهب» از وجود مبارک حضرت رضا علیه اسلام که

«کلمه لا اله الا الله» را «حصن امن الهی» می داند و...؛

بخش اول روایت حاضر نیز، به همین نکته و آثار و برکات «لا اله الا الله»

(که «کلمه توحید» است)، در حیات انسان اشاره دارد.

لکن در ادامه حدیث، به این نکته تاکید شده که:

«همین کلمه توحید که این قدر جلیل القدر است و اثرات شگرف دارد،

فاقد اثر می شود اگر جامعه در مقابل گناه سکوت نماید!»

*** پیام ها و رهنمودها:**

– اگر گناهان، آشکارا و علنی صورت بگیرند و کسی گناهکار را نهی نکند و آن گناه را تغییر ندهد، به «توحید» و «وحدانیت خدا» و همان «کلمة الله هی العلیا» توهین شده است.

چرا؟!!

جواب خودمانی اش این است که: «گناهِ علنی»، دهن کجی به خداست؛

و یعنی: لجبازیِ علنی و غلدربازی در برابر خدا!

لذا اگر اینجا کسی جلویش نایستد،

و به هیچ نحوی عکس العملی نشان ندهد،

و وظیفه «امر به معروف و نهی از منکر» را انجام ندهد،

و گناهکار را باز ندارد،

این یعنی اینکه: «معاذالله، ما هم راضی هستیم به مخالفت و دهن کجی و توهین به خداوند!!»؛

لذا پیامبر ص می فرمایند: اگر گناه آشکار شد، همه باید عکس العمل نشان بدهند نسبت به گناه.

در غیر این صورت به «کلمه الله» و به «توحید» توهین شده است.

حدیث چهل و دوم: روایات تسلط اشرار...

حدیث ۱:

هَذَا مَا أَوْصَى بِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَوْصَى الْمُؤْمِنِينَ ع :

لَا تَتْرَكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤْتَى عَلَيْكُمْ [أَشْرَارُكُمْ] شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ.

* سند روایت ۱:

سند روایت ۱: نهج البلاغه (للصبي صالح)؛ نامه ۴۷ - الكافي (ط - الاسلاميه)؛ ج ۷ ص ۵۲ - تحف العقول؛ النص؛ ص ۱۹۹ - الامالي (للطوسي)؛ النص؛ ص ۵۲۳ - الوافي ج ۱۰ ص ۵۶۵ - روضة الواعظين و بصيره المتعظين (ط - القديمة)؛ ج ۱؛ ص ۱۳۷ - كشف الغمه في معرفة الأئمة (ط - القديمة)؛ ج ۱؛ ص ۴۳۱ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۲۳؛ ص ۸۸ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۴۲؛ ص ۲۴۹ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ ج ۱۲؛ ص ۱۷۹

* شرح و ترجمه حدیث ۱:

امیرالمومنین علی علیه السلام در وصیت شان مومنان را چنین توصیه کردند:
(بعد از من) امر به معروف و نهی از منکر را وا نگذارید، که اشرار (و بدکارانتان و فاسدها) بر شما مسلط (حاکم) می شوند، و آن گاه (هر چه) دعا کنید، برایتان مستجاب نمی شود.

حدیث ۲:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ ص :

... إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ...، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُوا خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.

* سند روایت ۲:

الوافی ج ۵ ص ۱۰۴۰ - بحار الانوار (ط - بیروت)؛ ج ۷۰ ص ۳۶۹ - الکافی (ط - دارالحدیث) ج ۴ ص ۱۱۹ - وسائل الشیعه ج ۱۶ ص ۲۷۳ - تحف العقول؛ النص؛ ص ۵۱ - ثواب الأعمال و عقاب الأعمال؛ ص ۵۴۳ (ترجمه بندریگی).

* شرح و ترجمه حدیث ۲:

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کردند:

زمانی که امر به معروف و نهی از منکر نکنند...

خداوند اشرار و بدانشان را بر آنها مسلط می کند؛

و در این حال نیکان آنها دعا می کنند،

ولی دعایشان مستجاب نمی شود.

حدیث ۳:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِ بْنِ عَرْفَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ [الرِّضَا] ع يَقُولُ:

لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيَسْتَعْمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ فَيَدْعُو خِيَارَكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.

* سند روایت ۳ :

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول ؛ ج ۱۸ ؛ ص ۴۰۱ - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ؛ ج ۱۲ ؛ ص ۱۸۱ - الوافی ؛ ج ۱۵ ؛ ص ۱۷۱ - وسائل الشیعة ؛ ج ۱۶ ؛ ص ۱۱۸ - بحار الأنوار (ط - بیروت) ؛ ج ۹۷ ؛ ص ۹۳ - کافی (ط - دار الحدیث) ؛ ج ۹ ؛ ص ۴۸۵ - عوالی اللئالی العزیزة فی الأحادیث الدینیة ؛ ج ۳ ؛ ص ۱۹۱ - مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار ؛ النص ؛ ص ۵۰ - تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان) ؛ ج ۶ ؛ ص ۱۷۵ - نهج الفصاحه ؛ ص ۶۲۴ (ترجمه ابوالقاسم پاینده)

طریق اول: (مسند / تعلیق) محمد بن یعقوب الكلینی [تعلیق] [امامی ثقة جلیل] عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد [البرقی، امامی ثقة جلیل] عن محمد بن عیسی [بن عبید، امامی ثقة جلیل و تضعیف ابن الولید و تابعیه له و هم] عن محمد بن عرفه قال سمعت أبا الحسن الرضا ع يقول

طریق دوم: (مسند / تذیل) رواه الشيخ [محمد بن الحسن بن علی الطوسی، امامی ثقة جلیل] بإسناده عن أحمد بن محمد بن خالد [مثله] [البرقی، امامی ثقة جلیل] عن محمد بن عیسی [بن عبید، امامی ثقة جلیل و تضعیف ابن الولید و تابعیه له و هم] عن محمد بن عرفه قال سمعت أبا

الحسن الرضا ع يقول

* شرح و ترجمه حدیث ۳ :

از امام رضا علیه السلام نقل است که ایشان فرمودند:

حتماً باید به نیکی وادارید و از بدی باز دارید (امر به معروف و نهی از منکر کنید) وگرنه (اگر نکردید)، خدا بدانتان را بر شما مسلط می گرداند؛

و آن وقت نیکانتان دعا می کنند ولی دعایشان مستجاب نمی شود.

*** نکات (مربوط به هر سه روایت):**

– روایات «تسلط اشرار» (به عنوان عقوبت و ثمره ی قطعی ترک امر به معروف و نهی از منکر توسط مومنین در جامعه)،

روایات عجیبی است که معصومین ع مکرر در مکرر فرموده اند.

در اینجا تنها به ۳ مورد از آنها اشاره کرده ایم.

– وجود «لام تاکید» و «نون ثقیله ی تاکید» در متن روایات،

نشانه هایی بر قطعیت و حتمیت خبر جمله است.

بر این اساس است که عبارت «لَيْسْتَ عَمَلَنَّ عَلَيْنَكُمُ شِرَارُكُمْ...»

بصورت: «قطعا و حتماً» چنین خواهد شد

که اشرارتان بر شما مسلط می شوند

و دعای خوبانتان هم مستجاب نمی شود، ترجمه می شود.

*** پیام ها و رهنمودها (مربوط به هر سه روایت):**

– یکی از شرایط نصرت خدا این است که ما امر به معروف و نهی از منکر انجام دهیم.

دعای خوبان وقتی مستجاب می شود، و ظهور امام زمان عج وقتی نزدیک می شود که:

«امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهیم».

روایات ذکر شده، تاکید می کند که:

اگر نکردید، اشرار می آیند و عمال بر شما می شوند، قطعاً و بی برو برگرد!

اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید، اشرار بر شما مسلط می شوند،

و آن وقت خوب خوب هایتان («خیارگم»: اخیار، عرفا، بزرگان و...)

هم که بروند دعا کنند که: «خدایا! شر این اشرار را به خودشان برگردان،

اللهم لا تسلط علينا من لا یرحمنا،

خدایا بر ما مسلط مکن کسی را که به ما رحم نکند، یا...»

خدا دیگر دعای آنها را هم مستجاب نمی کند!

چون: با انجام ندادن امر به معروف و نهی از منکر، دیگر جای معروف و منکر عوض شده

(یک نشانه اش همین است که امورات جامعه، به جای نیکان امت، به دست اشرارتان افتاده!)

و حالا هر چه قدر هم دعا کنید مستجاب نخواهد شد؛

چرا؟!!

چون: «از خودت است که بر خودت است!

یک موقعی می توانستی تذکر بدهی و قبح گناه را حفظ کنی

(و آن وقت خدا هم نصرت می کرد!)، اما نکردی؛

نشستی و تماشا کردی، تا اینکه اشرار مسلط شدند!»

و حالا خدا هم می فرماید دیگر دعای کسی را مستجاب نمی کنم!

آن موقعی که جیک جیک مستانه ات بود، فکر زمستانت هم بود؟!!

لذا انتظار نداشته باشیم که ما حرکت نکنیم و خدا برکت بدهد!

حدیث چهل و سوم: توقع خدا از دوستانش

حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ شِمْرِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو ضِرَّارٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَمَّارُ بْنُ رَبِيعَةَ قَالَ:

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الصَّقَّيْنِ [:

...إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَرْضَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ أَنْ يُعْصَى فِي الْأَرْضِ وَهُمْ سَكُوتٌ مُذْعِنُونَ لَا يَأْمُرُونَ
بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...

*** سند روایت:**

وقعه صفین؛ النص؛ ص ۴۷۳ - شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد؛ ج ۲؛ ص ۲۰۸ - بحار الأنوار
(ط - بیروت)؛ ج ۳۲؛ ص ۵۲۶ - منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه (خوئی)؛ ج ۴؛ ص ۹۰ -
سفینه البحار؛ ج ۸؛ ص ۳۹۰

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امیرالمومنین ع در میانه جنگ صفین [در گفتگویی با مردی شامی] فرمودند:

خدای تبارک و تعالی هرگز از دوستان خود راضی نیست که در زمین معصیت شود و اولیای او
همچنان ساکت بمانند و (فقط) به نافرمانی ها اقرار کنند؛ نه امر به معروف را انجام دهند و نه نهی
از منکر را...

* نکات:

– این خودش یک جور بدعت است که انسان در مقابل معصیت (مخصوصا اگر معصیت بزرگ و کبیره باشد) سکوت کند؛ چرا که خداوند متعال راضی نیست از اولیائش که در زمین گناه صورت بگیرد و آنها ساکت باشند و امر به معروف و نهی از منکر نکنند. خدا این اولیاء را از شان راضی نیست؛ و دوستشان ندارد!

* پیام ها و رهنمودها:

– در روایتی از رسول خدا ص داریم (با مضمون «بدعت» که اشاره کردیم)، که می فرماید: سکوت در برابر عمل منکر بدعت است (بحارالانوار جلد ۷۷ صفحه ۱۶۵). یکی از بدعت های خطرناکی که در دین اسلام ممکن است رخ بدهد و خیلی وقت ها هم رخ داده و مهلک هم بوده در جامعه، سکوت در برابر منکرات بوده و هست.

حدیث چہل و چہارم: چشم ہای مومن...

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الشَّافِعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الضَّبِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَيْبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو طَاهِرٍ أَحْمَدُ بْنُ عِيْسَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ، قَالَ:

كَانَ يُقَالُ [حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ]:

لَا يَحِلُّ لِعَيْنٍ مُؤْمِنَةٍ تَرَى اللَّهَ يُعْصَى، فَتَطْرَفَ حَتَّى تُغَيِّرَهُ

* سند روایت:

الأمالی (للطوسی)؛ النص؛ ص ۵۵ - مجموعة ورام؛ ج ۲؛ ص ۱۷۹ - وسائل الشيعة؛ ج ۱۶؛
ص ۱۲۶ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۹۷؛ ص ۷۷

طریق اول: (مسند، عادی) الحسن بن محمد الطوسی [الحسن بن محمد بن الحسن الطوسی، امامی ثقة جلیل] فی مجالسه عن أبيه [محمد بن الحسن بن علی الطوسی، امامی ثقة جلیل] عن محمد بن محمد [ابن نعمان المفید، امامی ثقة جلیل] عن محمد بن أحمد [عمر بن محمد بن علی بن الزیات] عن الحسين بن سهيل الضبي [الحسين بن اسماعيل بن محمد الضبي] عن عبد الله بن شبيب عن أحمد بن عيسى العلوي [أحمد بن عيسى بن عبد الله العمري] عن الحسن [الحسين الأصغر بن علی بن الحسين] عن أبيه ع [علی بن الحسين زین العابدین، معصوم] عن جده [علی امیر المومنین] ع قال كان يقال

*** شرح و ترجمه حدیث:**

امام حسین علیه السلام می فرمودند:

برای چشم مؤمنی حلال نیست (سزاوار و روا نیست)

که مشاهده کند نافرمانی خدا می شود (پیش رویش گناهی انجام می شود)؛

مگر اینکه قبل از پلک زدن (رو برگرداندن و عبور کردن)،

آن عصیان و گناه را تغییر دهد و محو سازد.

*** نکات:**

– این روایت به نقل از امام حسن مجتبی علیه السلام نیز روایت شده است.

– روایت در برخی نسخه ها، با اندک تفاوتی نسبت به آنچه ذکر شد نیز آمده است.

*** پیام ها و رهنمودها:**

– اینکه روایت می فرماید «قبل از پلک زدن» باید آن گناه را تغییر دهد و نابود کند،

همان بحث «وجوب فوری» است؛

که می خواهد بفرماید: «امر به معروف و نهی از منکر، واجب فوری است، و به جز موارد خاص و

معدودی، اجازه تاخیر انداختن در انجام این واجب را به طور عام نداریم.»

لذا حضرت می فرماید: «مومن آن کسی است که چشمش اگر گناهی دید، بلافاصله اقدام می کند

برای تغییر آن گناه»؛

اگر کسی را دیدید که این کار را نکرد،

یعنی این آدم، به همان میزان ممکنست ایمانش مشکل داشته باشد...

حديث چهل و پنجم: وكالت در امر به معروف و وعده عذاب خدا...!

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرَفَةَ قَالَ:

سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَاعَ يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ:

إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى

* سند روایت:

الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ٥؛ ص ٥٩ - تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان)؛ ج ٦؛ ص ١٧٧ - مشكاة الأنوار في غرر الأخبار؛ النص؛ ص ٤٩ - روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)؛ ج ١١؛ ص ٤١ - الوافي؛ ج ١٥؛ ص ١٧٥ - وسائل الشيعة؛ ج ١٦؛ ص ١١٨ - مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول؛ ج ١٨؛ ص ٤٠٦ - بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ٩٧؛ ص ٩٢

طريق اول: (مسند / اشاره) محمد بن يعقوب الكليني [امامی ثقة جليل] عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد بن خالد [البرقي، امامی ثقة جليل] عن محمد بن عيسى [بن عبيد، امامی ثقة جليل] و تضعيف ابن الوليد و تابعيه له و هم] عن محمد بن عرفه [إشارة] عن الرضا ع أنه سمعه يقول كان

رسول الله ص يقول

طريق دوم: (مسند / تذييل) رواه الشيخ [محمد بن الحسن بن علي الطوسي، امامی ثقة جليل] بإسناده عن أحمد بن محمد بن خالد [مثله] [البرقي، امامی ثقة جليل] عن محمد بن عيسى [بن عبيد، امامی ثقة جليل] و تضعيف ابن الوليد و تابعيه له و هم] عن محمد بن عرفه عن الرضا ع أنه

سمعه يقول كان رسول الله ص يقول

طریق سوم: (مسند / تذیل) رواه الصدوق [محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، امامی ثقة جلیل] فی عقاب الأعمال عن أبيه [علی بن الحسین بن بابویه، امامی ثقة جلیل] عن سعد [بن عبدالله القمی، امامی ثقة جلیل] عن محمد بن عیسی [مثله] [بن عبید، امامی ثقة جلیل] و تضعیف ابن الولید و تابعیه له و هم] عن محمد بن عرفه عن الرضا ع أنه سمعه يقول كان رسول الله ص يقول

*** شرح و ترجمه حدیث:**

از حضرت امام رضا علیه السلام چنین نقل شده که:
رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره می فرمودند:
هرگاه امت من انجام امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر واگذار نمایند
(و این چنین از انجام آن سرپیچی کنند)،
گویا به خداوند متعال اعلان جنگ داده اند
(خود را برای عذابی از سوی پروردگار آماده کنند).

*** نکات:**

— حضرت رضا ع می فرمایند: پیامبر خدا «کان یقول...»؛
یعنی: این گونه می فرمودند؛ همواره از ایشان این گونه شنیده می شد.
یعنی یک بار و دو بار نبوده،
سیره پیامبر و سبک بیان پیامبر ص این طور بوده که خیلی وقت ها این را می فرموده اند که:
هنگامی که امت من، هم دیگر را وکیل امر به معروف و نهی از منکر کنند

(تَوَاكَلْتَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ...)

باید خود را آماده عذاب خدا کنند.

*** پیام ها و رهنمودها:**

– واژه «تَوَاكَلْتَ»، از «تَوَكَّلَ» و «وَكَّلَ» می آید.

وَكَّلَ به چه کسی می گوئیم؟

به کسی که کار را می اندازیم گردنش تا او آن کار را انجام دهد.

اینکه افراد دیگران را وکیل امر به معروف و نهی از منکر کنند،

یعنی امر به معروف و نهی از منکر را به گردن یکدیگر واگذار کنند و از سر خود واکنند!

یعنی: من تذکر نمی دهم به گناه کار،

و بگوئیم: به من چه؟!؟

خانواده اش می گویند؛ خانواده اش بگویند: به ما چه؟!؟

معلمش بگوید؛ معلمش بگوید: به ما چه؟!؟

صدا و سیما باید بگوید؛ صدا و سیما بگوید: به ما چه؟!؟

آخوندها باید بگویند؛

و همین طور الی آخر...!!

همه بگویند به من چه دیگری باید بگوید!

در چنین شرایطی خداوند متعال (به واسطه رسولش) می فرماید:

آن روز که مردم این طور معامله ای با امر به معروف و نهی از منکر کردند،

باید خودشان را برای عذاب خدا و خشم خدا آماده کنند...

حدیث چهل و ششم: بی تفاوتی نسبت به برادران

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

مَنْ نَظَرَ إِلَى الْحَيَّةِ تَوَّمُ أَخَاهُ لَتَلَدَّعَهُ وَ لَمْ يُحَذِّرْهُ حَتَّى قَتَلْتَهُ، فَلَا يَأْمَنُ أَنْ يَكُونَ قَدْ شَرِكَ فِي دَمِهِ؛

* سند روایت:

مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۸۵

* شرح و ترجمه حدیث:

رسول گرامی اسلام ص فرمودند:

کسی که دید مار (یا گزنده ای) به سمت برادر دینی اش (که مثلاً خوابیده یا از آن غافل است) حرکت می کند تا او را نیش بزند، اما او را (از خطر آن گزنده) بر حذر نمی دارد (فریادی نمی زند، هشیارش نمی کند...)

تا اینکه آن گزنده او را کشت، پس، از این مبراً و آسوده نیست که در خون (کشته شدن) برادرش شریک بوده است.

* نکات:

– در منابع حدیثی ذکر شده، این روایت از رسول اکرم ص دنباله ای نیز دارد؛

که صراحتاً به بحث نهی از منکر کردن – به مثابه:

«نجات دادن افراد از ظلم و خطا و عقوبتش»، و از سر «دلسوزی» – اشاره دارد:

«و كَذَلِكَ مَنْ نَظَرَ إِلَى أَخِيهِ يَعْمَلُ الْخَطِيئَةَ،

وَلَمْ يُحَذِّرْهُ عَاقِبَتَهَا حَتَّىٰ أَحَاطَتْ بِهِ،

فَلَا يَأْمَنُ أَنْ يَكُونَ قَدْ شَرِكَ فِي إِثْمَةٍ؛

وَمَنْ قَدَرَ عَلَىٰ أَنْ يُغَيِّرَ الظُّلْمَ،

ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْهُ، فَهُوَ كَفَاعِلِهِ...»

* پیام ها و رهنمودها:

– روایت می فرماید: اگر کسی را که در معرض خطر یک گزنده

(مثلاً مار یا عقرب یا...؛ یا هر نوع خطر دیگری) است،

با فریاد و... فراری ندهیم، نجات ندهیم یا از خواب بیدار نکنیم، در قتل او شریک هستیم!

نمی توانیم بگوییم: من نکشتمش! من نگزیدمش!؟

چرا، ما کشتیم!!

همان کسی کُشت که: «دید آن عقرب یا رتیل یا... دارد به آدمی که خواب است، – یعنی غافل

است از خطری که در کمین اوست – نزدیک می شود، ولی امر به معروف و نهی از منکر نکرد؛

و با بی تفاوتی، از کنارش گذشت...»؛

بگذریم که حالا امروزه بعضی هستند که این قدر بی تفاوت اند که حتی شروع به فیلم گرفتن می

کنند!!

که مثلاً رتیل مردی را نیش زد...!! این آدم شریک در قتل او حساب می شود.

انشالله خداوند این حس غیر انسانی بی تفاوتی نسبت به برادران و خواهران مان،

و یکایک افراد جامعه و هم نوعان مان،

و دیگر مخلوقاتش را از ما دور کند...

برگرفته از بیانات استاد علی تقوی (مدرس برجسته حوزه و دانشگاه)

کاری از مرکز تخصصی آموزش و احیای واجب فراموش شده

کانال در پیام رسان های داخلی: @aamerin_ir

سایت آمرین: www.Aamerin.ir

کانال آپارات: Aamerin

صفحه اینستاگرام: @aamerin_ir